



## چه کنیم تهدیدها و سختی‌های زندگی، دلمان را خالی نکند؟

این اصل در زندگی فردی نیز زمانی جاری است که با مشکلی بزرگ‌تر از توان خود روبه‌رو می‌شویم، اما دست از تلاش برنمی‌داریم و نتیجه را به او می‌سپاریم.

این اصل در زندگی فردی نیز زمانی جاری است که با مشکلی بزرگ‌تر از توان خود روبه‌رو می‌شویم، اما دست از تلاش برنمی‌داریم و نتیجه را به او می‌سپاریم.

خبرگزاری مهر- گروه دین، حوزه و اندیشه: قرآن، کتاب زندگی است که هم نشینی با آن، رنگ خدایی بر همه لحظات و روابط انسان می‌زند: *صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً*؛ و این رنگ الهی، آسان شدن همه امور زندگی و رفع موانع را به دنبال می‌آورد. در مقابل، کسی که به دستورهای قرآن و هم نشینی با آن پشت کند، زندگی اش را سراسر، مشکلات و سختی‌ها فرامی‌گیرد.

قرآن، کتاب زنده‌ای است که هم نشینی با آن حیات بخش است و ما را به مرتبه حیات دعوت می‌کند: *دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ*. قرآن جاذبه‌ای دارد که همچون یک کانون مغناطیسی عظیم، مخاطبانش را به سوی خود می‌کشد. فقط باید خود را در معرض این جاذبه و باران حیات بخش قرار دهیم. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: *إِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَبَاطِنُهُ عَمِيقٌ*؛ به درستی که قرآن ظاهری زیبا و شگفت‌انگیز دارد و باطنی عمیق و بی‌پایان، و غواصی در آن، برای هر کس تازه‌های لحظه به لحظه دارد. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: *«هُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَعِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»*.

قرآن، سفره گسترده ضیافت الهی است که برای هر کس با هر سلیقه و نیازی، غذای آماده دارد، تا هر کس هر کمالی را که می‌خواهد، بیش از طلب خود از آن بهره‌برد. همه مهمان این سفره ایم. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: *«الْقُرْآنُ مَأْدِبَةٌ لِلَّهِ فَتَعَلَّمُوا مَأْدِبَتَهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ»*. پس باید بر اشتهایمان بیفزاییم تا بیشتر بهره‌مند شویم. کسی که متخلّق به قرآن شود، به اخلاق ربوبی و صفات ملکوتی متصف می‌گردد؛ همان گونه که در وصف رسول اعظم (صلی الله علیه و آله) وارد شده است: *«كَانَ خُلُقَهُ الْقُرْآنَ»*. کسی که کنار این سفره می‌نشیند، درمی‌یابد که صاحب سفره، کریمانه و سخاوتمندانه حضور دارد. آیت الله بهجت (رحمت الله علیه) می‌فرماید: *«خُذْ مَا شِئْتَ مِنَ الْقُرْآنِ لِمَا شِئْتَ»*؛ دواي هر دردی و پاسخ هر مشکلی در قرآن هست. پس این سفره الهی را با مجالس خانگی قرائت قرآن و دست کم در بین اهل خانه، هر شب گسترده کنیم تا دل‌ها و خانه‌هايمان سرشار از نور آن گردد.

آیه روز چهارم

وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ؛ آل عمران، آیه ۱۷۳

«[مؤمنان حقیقی، وقتی به آنان می‌گویند از لشکر انبوه دشمن که آماده جنگ با شماست، بترسید] گفتند: خدا برای ما کافی است و او بهترین حامی ماست.»

چه کنیم تهدیدها و سختی‌های زندگی، دلمان را خالی نکند؟

«حسبنا الله و نعم الوکیل»، اعلان بی‌نیازی از قدرت‌های استکباری و تکیه بر قدرت لایزال الهی و توانمندی‌های درونی. این آیه، اوج «معنویت و دعا» در مواجهه با تهدیدات بزرگ است. خدای ما، خدای موسی در دل دریاست، خدای طوفان طیبس، خدای خرمشهر است. قدرت خدا بالاتر از هر قدرتی است و این خداوند قوی حامی مومنین است. دشمن همواره تلاش می‌کند تا با بزرگ‌نمایی قدرت خود و شایعه‌پراکنی درباره‌ی تجمع امکاناتش، در دل جامعه اسلامی ترس و رعب ایجاد کند تا عقلانیت و اراده‌ی آن‌ها را فلج سازد و به تسلیم وادارد. «حسبنا الله»، شعار محوری استقلال خواهی است؛ این جمله، نه یک شعار و ذکر زبانی در کنج عزلت، بلکه یک باور عمیق به پشتیبانی خداوند است که در دل طوفان‌ها، آرامش بخش قلب و تقویت‌کننده اراده برای ایستادگی است. این اتکای فعال به خداوند، موجب نزول آرامش و سکینه قلبی شده، مانع از محاسبات غلط ناشی از ترس می‌شود و در نهایت، نصرت و فضل الهی را به ارمغان می‌آورد و تهدید دشمن را به فرصتی برای تداوم مسیر استقلال و پیروزی تبدیل می‌کند.

شعر

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود / ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است (حافظ)

رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند / بنگر که تا چه حد است مکان آدمیت (سعدی)

تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافرست / راهرو گر صد هنر دارد توکل بابدش (حافظ)

کار خود گر به خدا بازگذاری حافظ / ای بسا عیش که با بخت خداداده کنی (حافظ)

راز نشکستن

عبور از طوفان، کار همه نیست. دشوارتر اما این است که خسته و زخمی در کوران تندبادها فریاد بزنی: «چیزی به جز زیبایی ندیدم.» راستی راز آن زن چه بود که بر بلندای قتلگاه، تماشای پیکر خونین برادر را تاب آورد؟ که کودکان بی پناه را یکی یکی سوار شترهای بدون چهار کرد؟ که در کاخ یزید پیروزمندان بر دشمن نهیب زد: «به خدا سوگند نمی توانی نام ما را از یادها ببری.» راز نشکستن آن زن چه بود؟ شاید همین کلمه های ساده که «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ»، که خدا برای ما کافیت و او خوب تکیه گاهی است. زینب(علیهاالسلام) چنین تکیه گاهی داشت که تا واپسین میدان ها، پا پس نکشید. تکیه گاه من و تو کیست؟

«نمی شود»، «حریقت قوی تر است»، «ولش کن، دردسر می شود». این جملات آشنا نیست؟ جملاتی که گاهی از زبان یک دوست در میدان زندگی شنیده می شود و گاهی از زبان رسانه ای که از «اجماع جهانی» می ترساند تا دلمان را خالی کند. این عملیات روانی، یک هدف بیشتر ندارد: فلج کردن اراده قبل از هر اقدامی.

بعد از آنکه مسلمان ها از جنگ اُحُد، ناموفق، مجروح، خسته، کوفته، شهید داده، و مصیبت زده برگشتند، عده ای از منافقین افتادند بین مردم و گفتند لشکر انبوه دشمن آماده جنگ با شماست، از آن ها بترسید! اما عجیب است، تهدیدها نه تنها مؤمنان حقیقی را از میدان به در نکرد که خداوند می گوید این تهدیدها بر ایمان مؤمنان افزود و گفتند: «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (آل عمران/۱۷۲) «خدا برای ما کافی است و او بهترین حامی ماست.»

حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، یعنی در معادله قدرت، یک واقعیت پنهان از دیده های ظاهری وجود دارد به نام «خدا»؛ یعنی اعلان بی نیازی از قدرت های پوشالی و تکیه بر قدرتی که هیچ گاه از بین نمی رود. این همان باوری بود که امام حسین(علیه السلام) را در ظهر عاشورا استوار نگه داشت. آری، خدای ما، همان خدای طوفان طیس است که محاسبات ابرقدرت ها را به هم ریخت؛ همان خدای خرمشهر است که با دست های خالی رزمندگان، آزاد شد.

این اتکای فعال به ابرقدرت عالم، یک شرط اساسی دارد که رهبر معظم انقلاب بر آن تأکید می کنند: «البتة >حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ< را در پستوی اتاق و داخل بستر راحت نمی شود گفت. ما نه کاری بکنیم، نه تلاشی بکنیم»؛ بعد هم بگویم: >حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ<! نه، خدای متعال آدمی را که در راه او مجاهدت نمی کند، کفایت نخواهد کرد. این کفایت مربوط به میدان جنگ است.» [۱]

بنابراین، این اصل در زندگی فردی نیز زمانی جاری است که با مشکلی بزرگ تر از توان خود روبه رو می شویم، اما دست از تلاش برنمی داریم و نتیجه را به او می سپاریم؛ وقتی برای پیشرفت کشور، روی پای خود می ایستیم و به وعده های توخالی دیگران دل نمی بندیم و از تهدیدهایشان نمی ترسیم. این اتکای فعال، ترسی را که دشمن می کارد، به آرامش و فرصتی برای یک پیروزی بزرگ تر بدل می سازد. بله؛ همان جمله معروف حاج قاسم سلیمانی که می گفت: «میزان فرصتی که در تهدیدها هست، در خود فرصت ها نیست؛ به شرطی که ترسیم و نترسانیم.»

عمل و زندگی با آیه

\_ وقتی رسانه های دشمن از «اجماع جهانی» و «لشکر نظامی» حرف می زنند تا دلت را خالی کنند، به یاد بیاور این همان صحنه آیه است. خدایی که پشتیبان ماست، همان خدای طوفان طیس و فتح خرمشهر است.

\_ هنرمند یا ورزش کار هستی و می خواهی در صفحه مجازی ات از دین و کشورت دفاع کنی، اما از موج تخریب و ازدست دادن حامیان مالی می ترسی؟ پشتیبان تو خداست، نه شرکت های تبلیغاتی.

\_ به عنوان یک مسئول، وقتی با بزرگ نمایی قدرت دشمن، تو را به سمت تصمیمات ذلت بار هل می دهند، <حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ> یعنی ما محاسبانمان را براساس قدرت خدا می بندیم، نه تهدید دشمن.

\_ در جمع فامیل، همه از آینده سیاه نمایی می کنند و روحیه جمع را تخریب می کنند؟ تو منبع آرامش باش. یادآوری کن که پشتیبان ما خداست و او برای بندگان مؤمنش کافی است.

\_ می خواهی امر به معروف کنی و دیگران با جمله «ولش کن، برایت دردسر می شود» تو را می ترسانند؟ قدمت را با گفتن «حَسْبُنَا اللَّهُ» محکم بردار و وظیفه ات را انجام بده.

\_ پدر و مادر هستی و از تهاجم فرهنگی سنگین علیه فرزندت احساس درماندگی می کنی؟ تو در این سنگر تنها نیستی. با توکل، وظیفه ات را انجام بده و او را به خدا بسپار.

خبر شهادت حاج قاسم سلیمانی مثل یک زلزله بود. بسیاری گمان می کردند که محور مقاومت با یک ضربه وجودی و جبران ناپذیر روبرو شده و همه چیز در آستانه فروپاشی است. فضای ترس و عدم اطمینان همه جا را فرا گرفته بود. در چنین شرایطی، رهبر انقلاب در یک سخنرانی حاضر شدند. همه منتظر واکنشی هیجانی یا تهدیدی از سر خشم بودند. اما ایشان با آرامشی مثال زدنی و صلابتی عجیب، بر انتقام سخت تأکید کردند. این پیام، یک پیام روشن برای تمام دنیا بود. تکیه گاه ما افراد نیستند، بلکه خدایی است که بهترین وکیل و کارساز است. وقتی تکیه گاه یک ملت، قدرتی بی نهایت باشد، از دست دادن بزرگترین فرماندهانش هم نمی تواند او را از پا درآورد، زیرا خدا برایش کافیهست.

[۱]. مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۰۴/۱۹.